

زیر درفش دروغین خنجی، زرین کوب دوم؟

بیاریم آن آب رفته به جوی
مگر زان بیابیم باز آبروی

پیروز پارسی (فردوسی) بزرگوار

ایرانیان پس از ۱۴۰۰ سال بردگی و بندگی اسلام ی خودکامه ی (فاشیستی) تازشگر تازیان (عرب ها) تا به امروز نتوانسته اند که کار دردناک و اندوهگین ی نیمه کاره ی نیاکان ی شکست خورده ی خودشان را در پس راندن و نابود ساختن ی اسلام ی اهریمنی تازشگر تازیان (عرب ها) به پایان برسانند آنانیکه در درازای سرگذشت ی (تاریخ) اندوه بار ایران زمین بسان ی نامداران ی بزرگی همچون مولوی شمس تبریزی عطار سنائی بایزید بسطامی عین القضات همدانی شهاب الدین سهروردی حلاج سعدی محمود شبستری و دیگران که کوشش کردند اسلام ی تازشگر بی فرهنگ را به گونه ای (شکلی) با فرهنگ ی ایران زمین آشتی دهند تا اینکه از خوی بیابانی بیابانگردان ی دشت های عربستان سعودی و بربریت ی اسلام ی تازشگر تازیان (عرب ها) بکاهند و اسلام ی تازیان (عرب ها) را به سود مردم و سرزمین ی ایران از درون دگرگون کنند سرگذشت (تاریخ) اما نشان داده است که این کار آشکارا (بظاهر) نیک به بدبختی سیه روزی و تیره بختی یک مردم ی کهن سال با فرهنگ ی ۹۰۰۰ ساله اش انجامید و این کار ناخواسته خود به پایدار و ماندگار شدن ی اسلام ی تازیان (عرب ها) در سرزمین ی ایران یاری رسانده است تا اینکه پدیده ی شوم ی ماورای واپسگرانی شیعه گری که امیر حسین خنجی خودشان شیفته ی شیعه ی راستین ی علوی ! می باشند بسان ی زالونی خون ی مردم ی ایران را کشیده است و هنوز هم شوربختانه در سده ی بیست و یکم ۲۱ هم می کشد از آن جانیکه اسلام و ایران بسان ی چربی و آب می باشند که همدیگر را پس می زنند (دفع می کنند) هر کوششی در آشتی دادن ی این دو پدیده ی ناهمگون تنها و تنها به نابودی یکی و پیروزی دیگری می انجامد و به همین انگیزه (دلیل) اسلام ی تازشگر تازیان (عرب ها) نه سازنده ی بخشی از پاترمی (ملیت) ما ایرانیان و نه سازنده ی بخشی از شناسه ی (هویت) ما ایرانیان می باشد و هم از این روی است که اسلام ی تازیان (عرب ها) دشمن ی شماره ی یک ایران و فرهنگ ی ایران زمین می باشد و تازیان و تازی زادگان ی بی فرهنگ ی امروزی هر چیزی که ایرانی و نماد پایداری ایرانیان در برابر تازش ی خونین ی تازشگران ی تازیان ی مسلمان می باشد می خواهند نابود بکنند از نابودی ماندمان ها و یادگارهای فرهنگی و از نابودی آرامگاه ی کوروش ی بزرگ گرفته تا نابودی آرامگاه ی پیروز ایرانی (ابولولو) به دست ی تازیان و تازی زادگان ی خون خوار و خون ریز مسلمان ی انیرانی و در این رهگذر اندیشه ها و کارهای فرهنگی تازی پرستان و تازی گرایان ی مسلمان و دیگر اندیشمندان ی انیرانی خود همسوی اسلام و در پایدار ماندن و نیرو بخشیدن ی بیشتر اسلام ی تازیان (عرب ها) بوده است.

بودند تک اندیشمندان ی که در شبانه های بیداد و سرد و سیاه ی خاموشی آشکار و پنهان گاهگاهی از اسلام تازیان (عرب ها) خرده گیری (انتقاد) کردند اما آوای آنان در زیر هزاران آوای شوم دل گیر و زوزه های سربران ی آوازه خوان انیرانی و ناپسند اسلام ی تازشگر تازیان (عربها) گم گشته بود و کسی و یا کسانی آوای گمنام ی این بزرگان را نتوانستند بشنوند آنانیکه دستی در سرگذشت (تاریخ) و فرهنگ ی ایران زمین داشتند خود در ماندگار شدن ی اسلام ی تازیان یاری رساندند نویسنده ی نامدار ایرانی نوشته ی (کتاب) کارنامه ی اسلام کدبان زرین کوب همان نویسنده ی دو سده (قرن) سکوت می باشد ! ما نمی دانیم که آیا کدبان زرین کوب نوشته ی کارنامه ی اسلام را زیر سرنیزه ی پاسداران ی مسلمان بسان ی نوشته ی کژراهه ی احسان ظیری نوشته است و یا اینکه کدبان زرین کوب بنا به رگه های شیعی اسلامی خودشان خودخواسته (داوطلبانه) این نوشته ی کارنامه ی اسلام را نوشتند و به پشتیبانی از اسلام ی تازیان (عرب ها) پرداختند و از به اندیشی شهری گری (تمدن) اسلامی !!! سخن گفتند و اینگونه در ستایش ی اسلام ی تازیان (عرب ها) خامه فرسائی (قلم فرسایی) کردند:

" تمدن اسلامی که لا اقل از پایان فتوح مسلمین تا ظهور مغول قلمرو اسلام را از لحاظ نظم و انضباط اخلاقی، برتری سطح زندگی، سعه صدر و اجتناب نسبی از تعصب، و توسعه و ترقی علم و ادب، طی قرنهای دراز پیشاهنگ تمام دنیای متمدن و مربی فرهنگ عالم انسانیت قرار داد، بیشک يك دوره درخشان از تمدن انسانی است و آنچه فرهنگ و تمدن جهان امروز بدان مدیونست اگر از دینی که به یونان دارد بیشتر نباشد کمتر نیست "

ای کاش کدبان زرین کوب از پیروزی های (فتوح) مسلمانان که چیزی جز دزدی چپاول ی دارائی و دار و ندار مردم دست درازی (تجاوز) به زنان ی مردم خشنونت ی بی اندازه و فرهنگ ی خون و خون ریختن نبود سخن می گفتند

ای کاش کدبان زرین کوب از کشتار نامسلمانان به دست ی مسلمانان ی با فرهنگ ! سخن می گفتند

ای کاش کدبان زرین کوب از آزار و شکنجه ی نامسلمانان به دست ی مسلمانان ی هم زیست گرا ! سخن می گفتند

ای کاش کدبان زرین کوب از دست درازی (تجاوز) مسلمانان به کودکان و دختران ی ۹ ساله برابر آئین ی اهریمنی اسلام ی تازیان (عرب ها) سخن می گفتند

ای کاش کدبان زرین کوب از سنگسار کردن ی آدمیان به فرمان ی آئین نا انسانی اسلام ی اهریمنی سخن می گفتند

ای کاش کدبان زرین کوب از باژ گیری (مالیات گیری) نامسلمانان به دست ی مسلمانان ی دادگر ! سخن می گفتند

ای کاش کدبان زرین کوب از پرتاب کردن ی آدم های دست بسته به فرمان ی آئین ی اهریمنی اسلام سخن می گفتند

ای کاش کدبان زرین کوب از بریدن ی دست ها و پا ها وارونه ی (عکس) یکدیگر به فرمان ی آئین اهریمنی اسلام سخن می گفتند

ای کاش کدبان زرین کوب از پشتیبانی اسلام از برده داری و به بردگی گرفتن ی نامسلمانان سخن می گفتند

ای کاش کدبان زرین کوب از بریدن ی سرهای نامسلمانان به دست ی مسلمانان و به فرمان ی آئین ی اهریمنی اسلام سخن می گفتند

ای کاش کدبان زرین کوب از به بردگی بردن و برده کردن ی مردمان ی شکست خورده در جنگ های خونین ی مسلمانان و فروختن ی این بخت برگشتگان در بازارهای برده فروشی سخن می گفتند

ای کاش کدبان زرین کوب از دست درازی (تجاوز) جنسی محمد علی حسن حسین به زنان و دختران ی مردم در جنگ های مسلمانان به فرمان ی آئین اهریمنی اسلام برابر سوره نسا آیه ۲۴ سخن می گفتند

سوره ۴: النساء آیه ی ۲۴

وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿۲۴﴾

زنان شوهردار [نیز بر شما حرام شده است] به استثنای زنانی که مالک آنان شده‌اید [این] فریضه الهی است که بر شما مقرر گردیده است و غیر از این [زنان نامبرده] برای شما حلال است که [زنان دیگر را] به وسیله اموال خود طلب کنید در صورتی که پاکدامن باشید و زناکار نباشید و زنانی را که متعه کرده‌اید مهرشان را به عنوان فریضه‌ای به آنان بدهید و بر شما گناهی نیست که پس از مقرر با یکدیگر توافق کنید مسلماً الله دانای حکیم است (۲۴)

ای کاش کدبان زرین کوب از کارنامه ی خونین سیاه نژادپرستانه ی اسلام ی تازشگرانه ی بیابانگردان تازیان (عرب ها) به پیشوایی محمد و هم میهنانش سخن می گفتند

ای کاش کدبان زرین کوب از نسک سوزی (کتاب سوزی) مسلمانان در گذشته و در روزگار ما که ایشان خودشان با چشمان شان در شورش ی واپسگرای ۱۹۷۹ ترسانی پس از فراماتروانی مسلمانان ی شیعه در ایران دیده اند سخن می گفتند و اینگونه است که نویسنده ی نوشته ی کارنامه ی اسلام کدبان زرین کوب آنچنان آب سردی به روی خوانندگان ی دو سده (قرن) سکوت ریختند که هنوز باورش برای دوستداران دو سده (قرن) سکوت آسان نمی باشد ما امیدواریم که امیر حسین خنجی زرین کوب دوم نباشند و نگردند

با نگاهی به تارنمای امیر حسین خنجی

<http://www.irantarik.com>

نخست به سخنان و اندیشه ی زرتشت ی بزرگوار بر می خوریم که در برگ ی نخست ی تارنمای ایشان نوشته شده است وارونه ی (عکس) تازی نامه ی تازیان (قرآن عرب ها) که دشمن ی هرگونه شادی و شادکامی است آنگونه که در تازی نامه ی تازیان (قرآن عرب ها) در سوره ی ۲۸ قصص آیه ی ۷۶ آمده است

سوره ۲۸: القصص آیه ۷۶
لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ
شادی مکن که الله شادی کنندگان را دوست نمی دارد

خنجی از این سخن ی زرتشت ی بزرگوار آغاز می کند
بنام او (اهورامزدا) که شادی را آفریده است

پس از خواندن ی این فراز (جمله) به آزاد بودن آزادگی و وابسته نبودن ی اندیشه ی خنجی به یک آنین (دین) و یا یک اندیشه ی سیاسی بر می خوریم پس از آمدن و خواندن ی از بالا به پائین ی تارنمای ایشان به نوشته ائی بر می خوریم با نام ی

مواصفات یک شیعه ی علوی
که خنجی با آب و تاب به ستایش ی یکی از بزرگترین دژخیم ی دژخیمان ی جهان یعنی علی پسر ابو طالب می پردازند که در این ستایش ی بی اندازه از علی و جایگاه اش در سرگذشت (تاریخ) ایشان دست ی آخوند های شیعه را از پشت بستند خنجی در نوشته ی ستایش آمیز خود در باره ی درستکاری (صداقت) علی پسر ابوطالب می نویسند که :

" شیعه علوی دروغ نمیگوید "

با اینکه راه ی دروغ گفتن در تازی نامه (قرآن) باز می باشد آنگونه که در تازی نامه ی تازیان (قرآن عرب ها) در سوره ی نحل آیه ی ۱۰۶ آمده است که

سوره ۱۶: النحل آیه ی ۱۰۶
مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٠٦﴾
هر کس پس از ایمان آوردن خود به الله کفر ورزد [عذابی سخت خواهد داشت] مگر آن کس که مجبور شده و [لی] قلبش به ایمان اطمینان دارد لیکن هر که سینه اش به کفر گشاده گردد خشم الله بر آنان است و برایشان عذابی بزرگ خواهد بود (۱۰۶)

و در سوره ی صافات که در باره ی دروغ گفتن ی ابراهیم در تازی نامه (قرآن) آمده است که ابراهیم به دروغ گفته است که بیمار می باشد با اینکه ابراهیم بیمار نبوده است چرا که ابراهیم برای الله !!! دروغ گفته است

سوره ۳۷: الصافات آیه ی ۸۹
فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ ﴿٨٩﴾
و گفت من کسالت دارم (۸۹)

اکنون برای نشان دادن ی راستی های گفتار و سخنان ی خودمان در باره ی واژه ی دروغ ی اسلامی گفتن (تقیه) در تارنمای مسلمانان ی شیعه در باره ی واژه ی تقیه می خوانیم که

" تقیه یکی از معتقدات کلامی- فقهی شیعه و عملکردهای تاریخی اش برای حفظ موجودیتش در برابر اکثریت غیر شیعه، یا اکثریت غیر مسلمان است.

شادروان حمید عنایت در تعریف تقیه می نویسد تقیه از ریشه ی وقی، یقی عربی است که به معنای محافظت از خویش است و این همان ریشه ی است که کلمه مهم تقوی (پارسایی، یا خدا ترسی) نیز از آن می آید ...
طرفداری شیعه از ضرورت تقیه، مبتنی بر رعایت اصل معقول احتیاط از سوی یک اقلیت تحت تعقیب است. به تعریف دیگر تقیه عبارت است از تظاهر به قول یا فعلی که با نیت و معتقدات فاعلش فرق دارد و غالباً پرداختن اضطراری و موقت به دروغ مصلحت آمیز، و پرهیز از راست فتنه انگیز، به قصد حفظ جان و مال و عرض و آبروی خود یا مسلمانان دیگر است. ریشه ی این اندیشه و عمل در قرآن مجید است. چند آیه ربط صریح یا ضمنی با مسأله ی تقیه دارد. از جمله آیه ی ۱۰۶ سوره ی نحل. محققان گفته اند که تقیه سیره ی انبیاست از جمله ی سیره ی حضرت ابراهیم علیه السلام و یوسف علیه السلام. چنان که ابراهیم خلیل الله علیه السلام هنگامی که می خواست با مخالفان از شهر بیرون نرود و با بتها تنها بماند گفت «انی سقیم» (صافات/۸۹) (من بیمار یا ناخوشم) حال آنکه این عذری از روی مصلحت بود. یا پس از شکستن بتها وقتی که بت پرستان شتابان و خروشان به سراغ او آمدند باز از روی تقیه و مصلحت گفت: «بل فعله کبیر هم هذا» (انبیاء/۶۳) (بلکه این بت بزرگ است). تشخیص ضرورت و لزوم تقیه با خود شخص است.

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت شده است که فرموده اند: «التقیه فی کل شیء نصیطرالله ابن آدم، فقد احله ...» (تقیه در هر چیزی است که انسان در آن درمانده شود که در این صورت خداوند آن را بر او حلال گردانیده است). آری، با

آنکه تقیه نزد پیشینیان غیر شیعه هم سابقه داشته است، چنان که اصحاب کهف، ایمان خود را پنهان و به ظاهر، اظهار کفر کرده بودند، یا مؤمن آل فرعون و ابوطالب هم به تقیه، ایمان خود را پنهان داشته بودند ولی تقیه شعار شیعه شمرده شده است. " برداشت از تارنمای پائین

<http://daneshnameh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D8%AA%D9%82%DB%8C%D9%87&SSOReturnPage=Check&Rand=0>

آیا خنجی نمی دانند که واژه ی تقیه چیزی نیست جز دروغ ی اسلامی و شیعی گفتن که بر گرفته از آئین تازی (عربی) محمد تازی (عربی) می باشد که حتی از الله ی نیرنگ باز خود سخن می گوید آنگونه که در تازی نامه ی تازیان (قرآن عرب ها) آمده است

سوره ۳: آل عمران آیه ی ۵۴

وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرٌ الْمَاكِرِينَ ﴿۵۴﴾

و [دشمنان] مکر ورزیدند و الله [در پاسخشان] مکر در میان آورد و الله بهترین مکرانگیزان است (۵۴)

خنجی برای نشان دادن و بد بودن ی دروغ علی و دار و دسته اش را در دروغ گوئی اسلامی (تقیه) به کنار می نهند و کوشش می کنند تا علی را راست گو و بی گناه نشان دهند و شوربختانه ایشان می گویند که

" شیعه علوی دروغ نمیگوید، زیرا علی هیچ گاه و در هیچ شرایطی و برای هیچ هدفی دروغ نمیگفت. علی تجسم عینی صداقت و راستی بود. دروغگویی نشانه نفاق است. پیامبر گفته که یکی از نشانه های منافق آن است که دروغ میگوید. لذا کسی که ادعای شیعه بودن داشته باشد ولی برای هدفی و به منظوری (هر هدفی و هر منظوری) دروغ بگوید شیعه علی نیست. دروغ مصلحت آمیز به از راست فتنه انگیز نیست. دروغ در همه حال بد است و شیعه علی نباید دروغ بگوید حتی اگر برای مصلحت باشد "

خنجی آن چنان و آنگونه سخن می گویند که گویا ایشان علی پسر ابو طالب را از نزدیک می شناختند و سالیان ی سال با علی و دار و دسته اش پیوند خانوادگی داشتند و آنچنان آگاهی از روان روان شناسی و اندیشه ی علی تازی (عرب) داشتند و دارند که سد در سد

صد در صد) می گویند که

" علی هیچگاه دروغ نمی گفت "

با اینکه برابر (مطابق ی) تازی نامه ی تازیان (قرآن عرب ها) ابراهیم هم دروغ گفت که ابراهیم را محمد تازی (عرب) آن چنان دوست می داشت و شیفته اش بود که محمد تازی (عرب) بر این باور بود که ابراهیم پیش از پیدایش ی اسلام و خود محمد تازی (عرب) مسلمان بود !!! آنگونه که در تازی نامه تازیان (قرآن عرب) ها در سوره ی ۳ آل عمران آیه ی ۶۷ آمده است

سوره ۳: آل عمران آیه ی ۶۷

مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿۶۷﴾

ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی، بلکه موحدی خالص و مسلمان بود، و هرگز از مشرکان نبود. ﴿۶۷﴾

برای اینکه دروغ گفتن و دروغگوئی علی پسر ابو طالب را وارونه ی (عکس) گفتار کدبان خنجی نشان بدهیم از نبرد علی تازی (عرب) با یک پهلوان ی تازی (عرب) هم میهن ی خودش سخن میگوینم که علی در این نبرد تن به تن آشکارا دروغ گفته است که مولوی هم سروده انی در این زمینه دارد

از علی آموز اخلاص عمل
شیر حق را دان منزه از دغل
در غزا بر پهلوانی دست یافت
زود شمشیری برآورد و شتافت
او خدو انداخت بر روی علی
افتخار هر نبی و هر ولی
در زمان انداخت شمشیر آن علی
کرد او اندر غزایش کاهلی
گشت حیران آن مبارز زین عمل
وز نمودن عفو رحم بی محل
گفت بر من تیغ تیز افراستی
از چه افکندی مرا بگذاستی

گفت من تیغ از پی حق میزنم
بنده حقم نه مامور تنم
شیر حقم نیستم شیر هوا
فعل من بر دین من باشد گوا

که دروغ ی راستین ی علی را نشان می دهد که علی پهلوان ی تازی (عرب) را گول زد (فریب داد) که علی روی به پهلوان ی تازی (عرب) کرد و گفت:

"چرا شما کسی را با خود آورده اید ؟"

تا پهلوان ی تازی (عرب) چهره ی خود را بر می گرداند تا ببیند که چه کسی می آید علی به او تازش می کند و با زدن ی شمشیر به پایش او را به زمین می اندازد و هم از این روی است که پهلوان ی تازی (عرب) به انگیزه ی دروغگویی و نیرنگ ی علی به روی و چهره ی علی آب ی دهان (خدو) می ریزد این خود نشان می دهد تا چه اندازه علی دروغگو بوده است و تا چه اندازه پهلوان ی تازی (عرب) از کار ناشایست و دروغ ی علی خشمگین بود که به چهره ی علی آب ی دهان (خدو) ریخت و پهلوان ی تازی (عرب) روی به علی کرد و گفته بود که

"ای علی چرا به من نیرنگ زدی ؟"

علی راستگو؟! از دیدگاه ی خنجی پاسخ می دهد که:

"الحرب خدعه"

"جنگ بسان ی نیرنگ است"

خنجی در باره ی مهربانی و تند خو نبودن علی و دار و دسته اش می نویسند که

"نرمخویی و رواداری. شیعه علوی خشونت نمی ورزد، تندخو نیست، با گفتار و کردارش درد به دل هیچ انسانی نمیکند. همواره در فکر آن است که چه گونه میتواند دل یک انسانی را به دست بیاورد. کسی که ادعای شیعه بودن دارد اگر تندخو و خشونتگرا است شیعه علی نیست"

گویا خنجی یا نمی دانند و یا نمی خواهند که بدانند بسان ی همان آموزه های شیعی اسلامی خودشان تقیه که کوشش می کنند علی سربر را آرامش خواه (صلح دوست) و پاد (ضد) خشونت نشان بدهند علی پسر ابوطالب بزرگترین سر بر و دژخیم ی محمد بود که تازی پرستان و تازی زادگان در ستایش ی یکی از بزرگترین ی دژخیم ی جهان در کشتار و سربریدن دگر اندیشان داستان ها ی بیشماری در باره ی دلاوری های علی پسر ابوطالب سروده اند آیا خنجی نمی دانند که زنده زنده پاره پاره کردن ی انسان ها به دست ی شیر الله (اسدالله) و دوست ی الله (ولی الله) علی پسر ابوطالب انجام می یافته است ؟ اگر خنجی این را می دانند و آن را دروغ می نامند آیا گفتار نامدار برتولت برشت در باره ی ایشان گفتنی نیست ؟

"آن کس که راستی ها را نمی داند بی خرد است آن کس که راستی ها را می داند و آن را دروغ می پندارد یک تبهکار است" برتولت برشت نویسنده و چکامه سرای نامدار آلمان

ناصر خسرو چکامه سرای بزرگ و نامدار ایران زمین در سده ی یازدهم ی ترسانی (میلادی) در باره ی علی پسر ابوطالب و پاژنامه اش (لقب اش) حیدر کرار می گوید

هم چنان در قهر جبّاران به تیغ ذوالفقار
هیچکس انباز و یار حیدر کرار نیست
ناصر خسرو

اکنون ما از شما خنجی می پرسیم آیا شما نمی دانستید و یا به زبان ی دیگر نمی دانید که چرا به علی پسر ابوطالب پیشوای نخستین ی شیعیان ی مسلمانان ی جهان که در برابر (مقابل ی) سنیان ی مسلمانان ی جهان همچو دانه ائی (قطره ائی) در برابر دریا می باشند حیدر کرار می گفتند ؟
واژه ی حیدر واژه ی ناهمگون می باشد و از دو بخش ی تازی (عربی) و پارسی درست شده است
بخش ی نخست
حی که واژه ی تازی (عربی) می باشد که به چم ی (معنی) زنده می باشد

بخش ی دوم
در که واژه ی پارسی می باشد که به چم ی (معنی) پاره کردن و دریدن می باشد

واژه ی کرار به کاری گفته میشود که بارها و بارها انجام پذیرفته شده باشد اکنون پاسخ ی پرسش ی بالا را به آسانی میشود دریافت کرد که علی را حیدر کرار می گفتند برای اینکه علی پسر ابوطالب شیر الله (اسد الله) دوست ی الله (ولی الله) انسان ها را بارها و بارها زنده زنده پاره پاره می کرد و اینگونه است که در ستایش ی خون ریزی های بیشمار علی پسر ابوطالب ستایش گران ی مسلمان ی بی آرم شان در ستایش ی این دَرخیم ی دَرخیمان اینگونه چکامه سرانی میکردند

نازم به علی که تیغ بر دشمن زد
شمشیر دو سر به مرد و هم بر زن زد
قربان محبت اش که ۷۰۰ تن را
با دست مبارک خودش گردن زد

و اکنون سخنی از هم اندیش ی شما خنجی علی شریعتی شیعه دو آتشه و پیرو راستین ی محمد و علی تازی (عرب) مسلمان ی راستین ی باورمند (مومن) شیعه ی راستین ی علوی که بجای دستار (عمامه) بر سر گردن بند پارچه ائی (کراوات) بر گردن آویزان می کرده است

نماینده ی اسلام ی راستین !!! شیعه دو آتشه پیرو راستین ی محمد و علی تازی (عرب) شیعه ی راستین ی علوی علی شریعتی تازی پرست ی (عرب پرست ی) بی آرم در پاره ی ویژه گی های پیامبر سربرش محمد پسر عبدالله و چگونگی سربردن ی ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ انسان در یک روز به فرمان ی محمد تازی (عرب) و آدم کشی هایش خیلی آسان و به زبان ی ساده دلاوری های پیامبر سربرش را بازگو می کند تا همگان دریابند (بفهمند) که محمد - با پوزش از جانوران - چه جانور خون آشامی بوده است این ۱۰۰۰ انسان را خنجی علی پاد (ضد) خشنوت و راست گوی شما علی پسر ابو طالب حیدر کرار و زبیر در پیشگاه ی پیشوای شما خنجی و مسلمانان محمد پسر عبدالله سربردند و اینگونه است که علی شریعتی در پاره ی پیامبر سربرش محمد پسر عبدالله در نوشته ی (کتاب ی) خود اسلام شناسی برگ ۵۸۰ می گوید که:

" کنار گودال های عمیق و وحشتناکی که به دستور وی (محمد) کنده بودندنشسته بود و دسته دسته یهودیان بنی قریظه را که هر چند به یک زنجیرشان بسته بودند می آوردند و در برابر وی (محمد) پیایی سر می بردند و در گودال ها می ریختند و او (محمد) با چشمان سرد و خشک و آرامی که گویی به دو نگین شبق بدل شده اند آن را تماشا می کرد نه لب می جنبانید و نه پلک میزد گویی نمایش سرد و بیمزه ائی را می نکرد و آنگاه که آخرین نفر را از این ۷۰۰ نفری ذبح (سر بردن) کردند و در سیاهچالها افکندند در حالیکه به دستور وی (محمد) بر اجساد گرمشان خاک می ریختند برخاست و به کارهای دیگرش پرداخت "

نگاه کنید به اسلام شناسی نوشته ی علی شریعتی برگ ی (صفحه) ۵۸۰
خنجی در ادامه ی ستایش ی بیشمار خودشان از علی و دار و دسته اش می نویسند که:

" در قرآن اکیداً دستور داده شده که نباید در امور خصوصی دیگران تجسس کرد (لا تَجَسَّسُوا). کسی که ادعای شیعه بودن دارد ولی در امور خصوصی دیگران تجسس میکند شیعه علی نیست "

خنجی این سخن را از سوره ی ۴۹ حجرات آیه ی ۱۲ از تازی نامه ی تازیان (قرآن عرب ها) برداشته است که می گوید

سوره ۴۹: الحجرات آیه ی ۱۲
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِتْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ﴿۱۲﴾
ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری از گمانها بپرهیزید که پاره ای از گمانها گناه است و جاسوسی مکنید و بعضی از شما غیبت بعضی نکند آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد از آن کراهت دارید [پس] از الله بترسید که الله توبه پذیر مهربان است (۱۲)

آیا خنجی نمی دانند که اسلام محمد تازی (عرب) بویژه اسلام ی شیعی از آغاز زندگی انسان تا مرگ ی انسان از او و پس از مرگش از هیچ کسی و انسانی دست بردار نیست آیا خنجی نمی دانند که اسلام از سوراخ ی دهان ی آدمی تا به سوراخ ی کون ی آدمی انگولک می کند آیا خنجی نمی دانند که

گفتن ی نیمی از راستی ها خود بزرگترین ی دروغ ها می باشد

وارونه ی (عکس) سخن ی خنجی نویسنده ی شیعی نوشته ی حکومت و بازار کدبان محمد تقی نظریور در باره ی کار گزارش چینی(جاسوسی) از سوی علی پسر ابو طالب در نامه انی که علی به مالک اشتر نوشت می گوید که " حضرت علی(ع) در نامه اش به مالک اشتر می فرماید:

«پس بر کارهای آنان مراقبت دار و جاسوسی راستگو و فایضه پریشان بگمار که مراقبت نهایی تو در کارهایشان، وادارکننده آنهاست به رعایت امانت، و مهریانی بر رعیت، و خود را از کارکنانت واپای! اگر یکی از آنان دست به خیانتی گشود و گزارش جاسوسان تو بر آن خیانت همداستان بود، بدین گواه بسنده کن و کیفر او را با تنبیه بدنی بدو برسان و آنچه بدست آورده بستان، سپس او را خوار بدار و خیانتکار شمار و طوق بدنامی را در گردنش در آر.» (۲۶)

برداشت از تارنمای پائین

<http://www.porsojoo.com/fa/node/3351>

" ما از آیه های کشت و کشتار و دست و پا و سر بریدن ی تازی نامه ی تازیان (قرآن عرب ها) سخن نمی گوئیم و تنها به آیه ها ی پائین بسنده می کنیم که انگولک کردن به باورهای (اعتقادات) مردم و آدمیان را به باورمند(مومن) ناپاور (کافر) و ... بخش کردن خود گونه انی(نوعی) از گزارش چینی(جاسوسی) می باشد چه خوب بوده است که خنجی آیه ها ی پائین را

سوره ۴۴: الدخان آیه ی ۱۶

يَوْمَ نَبْطِئُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَىٰ إِنَّا مُنتَقِمُونَ ﴿١٦﴾

روزی که دست به حمله می زنیم همان حمله بزرگ [آنگاه] ما انتقام کشنده ایم (۱۶)

سوره ی ۳ آل عمران آیه ی ۸۵

وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَن يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٨٥﴾

و هر که جز اسلام دینی [دیگر] جوید هرگز از وی پذیرفته نشود و وی در آخرت از زیانکاران است (۸۵) و یا

ان الاسلام یهدم ما کان قبله

اسلام نابود کننده ی همه نسک ها (کتاب ها) و آیین ها (ادیان) و اندیشه هاست

کنار آیه ی نامبرده ی خودشان می گذاشتند تا خوانندگان به ناسازگاری های (تناقضات) تازی نامه(قرآن) پی ببرند که تازی نامه (قرآن) هرگز نمی تواند سخن ی الله باشد آیا خنجی نمی دانند که سنگر گرفتن پشت ی چند واژه ی و یا چند آیه ی تازی نامه(قرآن) از محمد سربر و خون ریز و جنگ جو عیسی مسیح درست نخواهد شد و از علی پسر ابو طالب دژخیم مهاتما گاندی خنجی در ستایش ی بیکران ی خود از علی پسر ابوطالب می نویسند که:

" شیعه علوی به هیچکس دشنام نمیدهد. پیامبر گفته است: لا تکنونو سبّابین، یعنی دشنام دهنده مباشید. پس، کسی که ادعای شیعه بودن دارد ولی بدزبانی میکند و به دیگران دشنام میدهد شیعه علی نیست "

اکنون ما از زبان ی الله ی تازیان (عرب ها) تنها دو آیه از تازی نامه ی تازیان(قرآن عربها) از دشنام های الله را برای خنجی و پیروان ی شیعه ی راستین ی علوی می نویسیم تا خوانندگان خودشان به دروغ گوئی محمد تازی(عرب) و پیروانش آگاه گردند

سوره ۷: الأعراف آیه ی ۱۶۶

فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿١٦٦﴾

و چون از آنچه از آن نهی شده بودند سرپیچی کردند به آنان گفتیم بوزینگانی رانده شده باشید (۱۶۶)

سوره ۶۸: القلم آیه ی ۱۳

عُتِلَ بَعْدَ ذَلِكَ زَيْمٌ ﴿١٣﴾

گستاخ [و] گذشته از آن زنزاده است (۱۳)

خنجی گرامی دیگر بس کنید که زیر اسلام ی تازیان(عرب ها) و آیین ی ماورای واپسگرای محمد تازی(عرب) سینه بزنید و همچنان پس از ۱۴۰۰ سال خون و خون ریزی آگاهانه و یا نا آگاهانه زیر اسلام ی اهریمنی تازیان(عرب ها) سنگر بگیرد و به دامن زدن و ماندگار شدن ی اسلام ی تازیان(عرب ها) در ایران پس از ۱۴۰۰ سال ستم دروغ گوئی دزدی چپاول ی دارانی ایرانیان دست درازی(تجاوز) به مادران و خواهران ی ما به دست و فرمان ی برادران ی مسلمان ی تازی(عرب) شما آنگونه که حسن و حسین ی تازی(عرب) شما بچه های علی پسر ابوطالب که فرماندهی سپاه ی تازیان (عرب ها) را

در تبرستان (مازندران) می کردند و مردم ی مازندران را که هم میهنان ی شما بودند و می باشند مسلمان گونه و به نام ی نامی آئین ی اسلام ی اهریمنی شما سربریدند

بلذری در فتوح البلدان در باره ی تازش ی تازشگران ی مسلمان ی تازی (عرب) - بویژه حسن و حسین بچه های علی پسر ابو طالب - به میهن ی ما ایران مازندران (تبرستان) می نویسد که
" سعید بن عاص که در زمان عثمان والی کوفه بود (سال ۲۹ هـ .ق) بی آنکه از کسی فرمان دریافت کند از کوفه به قصد جنگ تبرستان (مازندران) رفت حسن (ع) و حسین (ع) دو پسر علی بن ابی طالب در این جنگ با وی همراه بودند (نگاه کنید به نوشته ی تاریخ دو هزار ساله ی ساری نوشته ی حسین اسلامی برگ ۸۲ چاپ نخست ۱۳۷۲)"

خنجی ارجمند دیگر بس کنید که خودتان را زیر درفش ی دروغین ی ایران و فرهنگ ی ایران زمین پنهان بکنید و یا اسلام خواهی و اسلام پناهی خودتان تیشه به ریشه ی ایران و فرهنگ ی ایران زمین بزنید و درفش ی خونین خودکامه و نژادپرست ی لا اله الا الله محمد رسول الله اسلام ی محمد تازی (عرب) و تازیان (عرب ها) را همچنان در سرزمین ی کوروش ی بزرگ و فرزانه ی فرهیخته ی ایران و جهان زرتشت ی بزرگوار برافراشته نگاه دارید

نیما

درفش کاویانی



<https://derafsh-kavivani.com/>
<https://the-derafsh-kavivani.com/>